شهید محمد اسماعیل جهاندیده

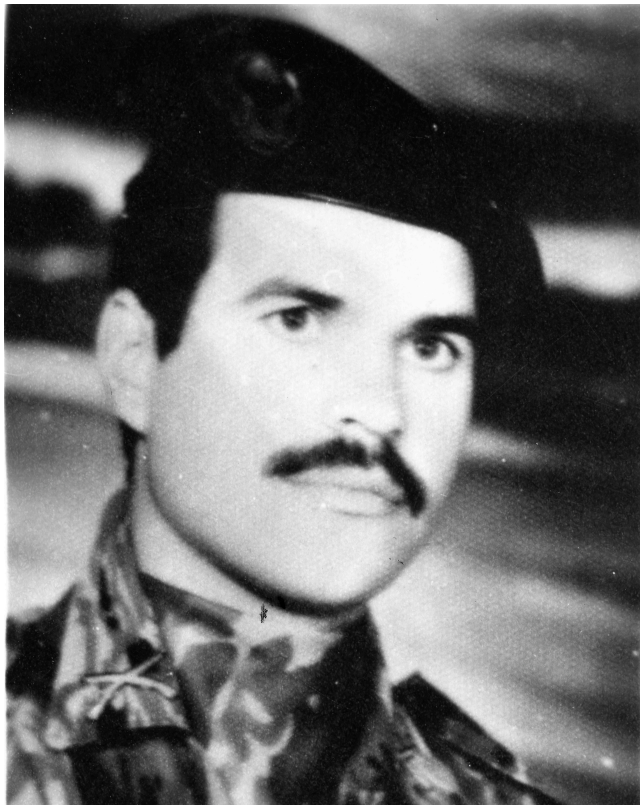

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	عباس قلی
تاریخ تولد	۱۳۴۱/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر – دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۶/۰۴/۰۱
محل شهادت	سومار
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سربازززمینی ارتش
شغل	–
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	تل سرکوب

زندگینامه

زندیگنامه شهید

شهید محمد اسماعیل جهاندیده در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مومن و متعهد به اسلام و ولایت چشم به جهان گشود . در خانواده ای که اگر چه از نظر اقتصادی چندان وضعیت خوبی نداشتند ولی صفا و صمیمیت و یک دلی در آن حرف اول را می زد او دوران ابتدایی را با هوش و ذکاوت تمام و با موفقیت در مدرسه بابا طاهر تل سرکوب به اتمام رساند . سپس جهت ادامه تحصیل به شهر سعد آباد رفت و در آنجا در مدرسه راهنمایی شهید سید باقر موسوی ثبت نام کرد .

دوره سه ساله راهنمایی را در آن مدرسه سپری کرد و دوره دبیرستان را در دبیرستان شریعتی به پایان رساند و در سال ۱۳۶۳ موفق به اخذ مدرک دیپلم گردید . او در کنار درس و مشق به کار و تلاش در جهت امرار معاش خود و خانواده نیز می پرداخت و در کارهای کشاورزی به پدرش کمک می کرد شهید زمانیکه دید مملکت جمهوری اسلامی از طرف دشمنان کافر و سنگدل مورد تهدید قرار گرفته لباس رزم پوشیده و آماده نبرد گردید . وی از طرف بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برازجان داوطلبانه عازم جبهه گردید او برای اولین بار وارد منطقه عملیاتی فاو در جنوب شد و حدود دو سال با قدرت تمام با دشمنان به مبارزه برخاست چون فداکاری و شهامت و شجاعت این بسیجی متعهد برکسی پوشیده نبود او را مسئول انتظامات ناو تیپ امیرالمومنین کردند او که از هیچ فعالیتی دریغ نمی کرد حدود یک سال نیز در این مسئولیت با موفقیت به خدمت مشغول بود سپس جهت دیدار با خانواده که مدتتها از آنان دور بود به روستا مراجعت کرد هنوز خستگی راه نبرد با دشمن را از تن به در نبرده بود که به خدمت مقدس سربازی احضار و به هوابرد شیراز اعزام گردید و پس از چندی چترباز ماهری گشت و آمادگی دیگری برای رزم با دشمن بدست آورد ایشان داوطلبانه از طریق هوابرد شیراز عازم جبهه های حق علیه باطل گردید و در جبهه سومار در جمعه ای که مورخ ۳۱/۴/۶۶ صورت گرفت بر علیه کفر شورید و بعد از رزمی ولاورانه باجه هلاکت رساندن عده زیادی از دشمن و بازپس گیری خاک میهن اسلامی از دشمنان اثری از او پیدا نشد و اینم دلاور در صحنه های پیکار استکبار جهانی جاویدالاثر گردید و پس از چندین سال مفقودیت پیکر پاک و مطهر او به برازجان انتقال یافت و در زادگاهش روستای تل سرکوب به خاک سپرده شد .

خاطرات

ویژگیهای شهید از زبان مادر و پدرش

محمد اسماعیل اولین فرزندم بود که بعد از ازدواج ما بدنیا آمد ، زمانی که نوزاد در شکمم بود بسیار احتیاط می کردم که مبادا آسیبی به او برسد بیشتر استراحت می کردم و از غذاهایی که شوهرم فراهم می کرد استفاده می کردم دعا و ذکرها را بر زبان می آوردم سعی می کردم که آرامش بر جو خانه حکمفرما باشد دوست داشتم که خداوند فرزند سالمی به ما عطا کند و همینطور هم شد وقتی نوزاد به دنیا آمد بسیار سرحال و قبراق بود با توجه به اینکه همه اهل خانواده نوزاد را زیاد دوست می داشتند در مراسم نامگذاری او همه شرکا کردند و مرحوم پدرم که عاشق پیامبر اسلام بود و به اهل نبوت و ائمه اطهار علاقه خاصی داشت اسم او را محمد اسماعیل گذاشت اما به یاد ندارم که روز تولد او مصادف با ایام خاصی باشد اما به هر حال موقعی که نوزاد متولد شد برای سلامتی او قربانی کردیم . دوران کودکی را در دامان پدر و مادری مهربان و با تقوی سپری کرد در این دوران با نماز و قرآن آشنا شد و علاقه ای که به تیر اندازی داشت یک تفنگ بادی برای خریدیم محمد اسماعیل با آن به شکار می رفت شهید در سن شش سالگی وارد مدرسه باباطاهر شد در آن زمان با دوستان و همکلاسیهایش بسیار مهربان و خوش برخورد بود به کسی آزار و اذیت نمی رساند از همان کودکی اهل نماز و دعا بود در نمازهای جماعت و ادعیه ها شرکت می کرد در مراسمات مذهبی مانند مراسم روضه خوانی حضرت ابا عبداله الحسین شرکت فعال داشت ، به همه علاقه داشت به پدر و مادر و خواهران و برادران احترام می گذاشت برای آنان مانند یک پدر بود و آنها هم به او احترام می گذاشتند در منزل در کارهای خانه به ما کمک می کرد برای برادران و خواهران کوچکتر از خود یک راهنما و معلم برجسته بود و آنها هم در کارها با او مشورت می کردند . ایشان قبل از ورود به مدرسه علاقه خاصی به درس و کتاب داشت و در هنگام ورود به مدرسه با اشتیاق و شوق فراوان نام نویسی کرد و دوره دوازده ساله مدرسه را با تمام سختی ها و مشقتی که در محل ما وجود داشت با موفقیت به پایان رسانید . وی از نظر درسی بسیار موفق بود و دوست داشت که ادامه تحصیل بدهد و در طول دوران ابتدایی با توجه به این که وضعیت اقتصادی ما خوب نبود ولی محمد اسماعیل هم در کهرها به ما کمک می کرد و هم تحصیل می کرد و با این وجود حاضر به ترک تحصیل نشد رفتارش در مدرسه و در بین همشاگردیهایش بسیار خوب بود و در طول این مدت دوازده سال حتی یک بار هم کسی از او شکایت نکرد و یا اولیا مدرسه از او اظهار نارضایتی نکردند . همچنین نحوه رفتار او در خانواده با برادر و خواهرانش بسیار خوب بود و به عنوان یک مشاور خوب در خدمت آنان بود و بعد از شهادتش متوجه ان شدند که چه کسی را از دست داده اند . شهید نسبت به مسائل مذهبی بسیار حساس بود نمازش به وقت و در مسجد به جماعت بود و توصیه می کرد که نماز را سبک نشمارید از همان کودکی نسبت به مسائل روضه خوانی ائمه اطهار بسیار علاقه مند بود و زمانی که اسم امام حسین (ع) و خانواده او را می شنید اشک در چشمانش سرازیر می شد . شهید اوقات فراغت خودر ا بیشتر در کار و کشاورزی و مطالعه می گذراند و در این ایام اگر فرصتی می یافت به خانه اقوام و خویشان و همسایگان سرکشی می نمود و صله رحم را در حد اعلی به عمل می آورد از روزی که خودش را شناخت شخصیت او تغییر کرد رفتارش کامل شد و مانند یک انسان بزرگسال در کارهایش رفتار می کرد بیشتر به فکر فرو می رفت و کمتر صحبت می کرد او عاشق امام بود در راهپیمایی های قبل از پیروزی انقلاب بسیار فعال بود اعلامیه های حضرت امام و سخنرانی های او را جمع آوری می کرد و در بیمن مردم پخش می کرد از همان قبل از پیروزی انقلاب با افکار امام آشنا شده بود و احترام خاصی برای او قائل بود ولایت را دوست داشت و آن را برگرفته از ولایت امیرالمومنین علی (ع) می

دانست اسلام بدون ولایت برای او معنا و مفهومی نداشت روحانیت را در خط امام و انقلاب می دانست و می گفت روحانیت است که انقلاب را بیمه کرده است به هیچ گروه و حزبی وابسته نبود تنها حزبی را که مورد قبولش بود حزب الله می نامید .

از نظر شهید هر کس بتواند بیشتر به اسلام و مردم خدمت کند در نزد خدا و خلق خدا محبوب تر است او احزاب را

فقط جنبه سیاسی می دانست و آنان را نابود شدنی می پنداشت به نهادهای انقلاب که بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به وجود آمده بودند عشق می ورزید و آنان را نوزاد انقلاب صدا می کرد به بسیج و سپاه و دیگر نهادهای انقلابی علاقه داشت علاقه او به قرآن به حدی بود که روزانه از روستا تا روستای اسلام آباد سابق را با پای پیاده طی می کردند تا پیش آخوند قرآن را بیاموزند و بعد از آن که قرآن را به اتمام رسانید و با توجه به دستورات انسان ساز قرآن رعایت حق الناس را انجام می داد و نسبت به بیت المال بسیار حساس بود به لحاظ همین خصوصیات و ویژگیهای شهید بود که مردم در تشییع جنازه او عزادار بودند همگی با صدای بلند گریه می کردند زمانی که دوستانش شهید می شدند او غبطه می خورد که چرا دیگران گوی سبقت را از او ربوده اند او شهادت را سعادت ابدی می دانست و باز شدن در زندگی تازه به روی انسان بارها عنوان کرده بود که ای کاش در زمان امام حسین (ع) می بودیم تا در رکاب او به شهادت می ریدیم و او را یاری می کردیم . او جنگ بین ایران و عراق را همانند زمان امام حسین (ع) می دانست و همیشه توصیه می کرد که جبهه ها را گرم نگه دارید و به ندای امام خمینی (ره) لبیک بگوئید ، همه کسانی کع می توانن اسلحه به دست گیرند باید در جبهه حضور یابند و دشمن را از سرزمین عزیزمان ایران بیرون برانند او اولین بار در سن ۲۲ سالگی به جبهه رفت و حدود دو سال مدام در جبهه بود . سخنان امام خمینی و عشق و علاقه ای که به ایشان داشت عامل اصلی او جهت رفتن به جبهه بود و ما هم او را منع نمی کردیم زمانی که می خواست به جبهه برود بسیار سرشوق بود مانند کسی که می خواست به حجله عروسی برود خوشحالی می کرد زیرا معتقد بود که به ندای امام زمان خود لبیک گفته است . خلوص نیت او به حدی بود که بارها نسبت به ضد انقلابیون و مخالفین نظام دعا می کرد که خدایا آنان را به راه راست هدایت کند . وقتی که ایشان در جبهه مفقود گردید از طریق بنیاد شهید دشتستان به ما اطلاع دادند که وی مفقود شده ما هم به کمک عمویش به منطقه اعزام شدیم هر جا که توانستیم سئوال کردیم اما اثری از او پیدا نشد تا این که پس از چندین سال بر اثر تفحص و جستجوی گروه تفحص جسد او را در منطقه پیدا کردند و بر روی پلاک ، او را شناسایی کرده بودند و بعد از مدتی او را به برازجان منتقل و با حضور گسترده مردم همیشه در صحنه تشییع شد و پیکر مطهرش در گلزار شهدا به خاک سپرده شد از این که خداوند ما را لایق دانست که بتوانیم فرزندی بزرگ کنیم که در راه خدا و اسلام به شهاد ت برسد افتخار می کنیم چون محمد اسماعیل متعلق به خدا بود و به سوی او رفت اما یاد و خاطر او همیشه در دل ما زنده است و یک لحظه حضور معنوی او در خانه ما فراموش نمی شمود . مسئولین مملکت باید با زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا ، فرهنگ شهادت را در فضای کشور زنده نگه دارند رشادتهای جوانان را در تلوزیون همیشه پخش کنند تا آنهایی که جنگ و جبهه را ندیده اند بفهمند که جوانان ما چه زحماتی کشیده اند تا دشمن را از خاک ایران اسلامی بیرون رانده اند .

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر